

المُعجم

● الدرس الأول

کبوتر	حاماة	در	باب
مرد	رجل	دریا	بحر
اتومبیل	سیارة	دیوار	جدار
خیابان	شارع	کشتی	سفينة
درخت	شجرة	تحته سنگ	صخرة
نماز	صلاة	عکس	صورة
دانشآموز دختر	طالبة	دانشآموز	طالب
میوه	فاكهه	ده، روستا	قرية
آب	ماء	گنج	كنز
پند، موعظه	موعظة	شهر	مدينة
یک ستاره	نجمة	مسلمان	مسلم
این	هذا، هذه	پادشاه	ملك
		پنجره	نافذة

● الدرس الثالث

آبگیر	برکة	زن	إِمْرَأَةٌ
می پرسد	تسأل	أُمّتٌ، جامعه	أُمّةٌ
کوچک	صغریة	گاو ماده	بقرة
ستون	عمود	خانه	بيت
انگور	عنَب	لباس، جامه	ثوب
پروانه	فراشة	کوه	جبل
در	في	باغ، باغچه	حديقة
ماه	قمر	لا	
نه، نیست			

رودخانه	نهر	مروارید	لؤلؤ
پدر	والد	چه چیزی؟	ما؟
وعده	وعد	كيف	محفظة
		زنبور عسل	نحله
		بلى، آرى	نعم
.....		
شیر	الأسد	مورچه	نملة
برتر، بهتر	أفضل	واسع	واسع
من	أنا	گل	وردة
يا	أو	برگ	ورقة
سریاز	الجندى	آیا؟	هل؟
حسنه، نیکی	الحسنة		
رأى، نظر	رأي		
کشاورز	الزارع	ظرف	إناء
پرشک، پرشک زن	طبيب، طبيبة	سيب	تفاح
کارگر	العامل	آن	تلک
بزرگ	عظيم	زيما	جميل
جنگل	الغابة	بهشت	الجنة
آهو	غزاله	خوبى	خير
شكى نىست	لاشئ	آن	ذلك
چه کسی؟	من؟	انار	رمان
او	هو، هي	غذا	طعام
		پرنده	طير
.....		
.....		
تلاش، کوشش	اجتهاد	گروه	قوم
بنابراین	إذن	قدرت	قّوة
ثروتمند، غنى	أغنياء (جِ غُنْيَى)	گوشت	لحم
جلو	أمام	سفره	مائدة



دست تو	يَدُك	مادر	أمّ
		كجا؟	أين؟
.....	الدرس السابع	دريا	البحار (ج بحر)
راستگو	الصادق	زير	تحت
کلاس	صف	توهم، خيال پردازی	توهّم
زن دانشمند و فهمیده	عالمة	کوه	الجِبال (ج جَبَل)
اتاق	غرفة	کنار تو	جنبٌ
شاخه	الْعُصْن	در کنارت	إلى جنبك
پیروزی، موفقیت	النجاح	خرابه	الخربة
پاکیزه، تمیز	نظيف	پشت سر	خلف
		ابر	السحابة
.....	الدرس الثامن	خورشید	الشمس
به، به سوی، تا	إِلَى	صراف، طلافروش	صراف
تو	أَنْتِ—أَنْتَ	پرندہ	الطائر
نگاه کن	أنظر	هوایما	الطائرة
بلند	باسقة	کار	عمل
شروع کرد	بدأ	نزد	عند
ساختمان	بناء	پس	فَـ
خوب	جيّدة	فانی، از بین روندہ	فانية
ناراحت شد	حزنت	بالا	فوق
بسیار خوب	حسناً	اما	لكن
افتاد	سقطت	نيست	ليس
تیشه، تبر	فأس	فرزند	ولَد
گفت	قالت	فرزنم	ولدي
بُرید، قطع کرد	قطع	حرف تنبیه و توجّه،	ها!
بود	كان — كانت		هان!
بزرگ	كبيرة	دست	يَد

فروتنان	الخاشعين	بودم	كُنْتُ
جمع دقیقه	دقائق	برای	لِ
رفت	ذهبَتْ	کلید	مفتاح
سجده کنندگان	ساجدين	از	مِنْ
آسمان	سماء	پشيماني	ندامة
صبر کنندگان	الصابرين	اين دو (مؤنث)	هاتان — هاتين
الصادقين — الصادقات راستگويان	الصادقين	اين دو (مذكر)	هذان — هذين
خوب	طيب	واحسرتا، آه!	ياللحسرة
باز کرد، گشود	فتحت	اي کاش من ...!	ياليتني
فتوت کنندگان	القاتين — القانتات	حمل مى كند	يحمل
خواند	قرأت	مى رود	يذهبُ
مقصود تو، قصد تو	قصدك	روز، روزها	يوم — أيام
برای چه؟، چرا؟	لماذا؟		
برای ايشان	لهم		
چه؟ چه چيز؟	ماذا؟	پایان آن	آخرها
کوشما، تلاشگر	مجتهد	خواهش	أُخْتَهُ
پينندگان	ناظرين	مى خواهم	أُرِيدُ
نگاه کرد به	نظرت إلى	از تو سپاسگزاری	أشكرك
بخشن، آمرزش	مفترة	مى كنم، متشكرم	أعَدَّ
ايستادگان	واقفون	آماده کرد	أفعُلُ
		انجام مى دهم	
		به راستي که	إنَّ
		خدای من	إلهي
		هم چنین	أيضاً
		ساده	بسيط
		آمد	جاءَ — جاءَت
[شخص] [بزرگ	أشجار (ج شجر)		
ستاره	أعلام (ج علم)		
	الأنجم (ج نجمة)	نشسته	جالس

• الدرس العاشر •

باب، در	أبواب (ج باب)
گرفت	أخذَه
درخت	أشجار (ج شجر)
[شخص] [بزرگ	أعلام (ج علم)
ستاره	الأنجم (ج نجمة)



• الدرس التاسع •

تجديد	احيا كردن	أحِبُّ	دوسن مى دارم
تحبّ	دوسن مى دارد	أخذتْ	گرفت
التلاميذ (ج تلميذ)	دانشآموز	الآخرى	ديگر
ثُمَّ	سپس	أخي	برادرم
دخل	داخل شد	الأرض	زمين
رجال (ج رجال)	مرد	أمّي	مادرم
رسم	نقاشى كرد، رسم	الأولى	اولى
الزّاهرا	كرد	تحمل	حمل مى كند،
سؤال	درخshan		برمى دارد
الشموس (ج شمس)	پرسيد	جدّ	تلاش، کوشش
الطالعة	خورشيد	حَبَّة	دانه
طيور (ج طير)	طلوع كننده	حملت	حمل كرد، برداشت
فتح	پرنده	خرجت	خارج شد
فرائض (ج فريضة)	باز كرد، گشود	رجعت	بازگشت
قصص (ج قصة)	واجب	ساقية	جوى
قواعد (ج قاعدة)	داستان	سقطت	افتاد
كلا	پایه، اصل	الصوم	روزه
مدّخر	هرگز	طرحـت	انداخت
معلم الرسم	ذخـيره شـدـه	الطريقـ	راه
ممـلوـء	معلم نقاشـى	طلبـ	طلبـ كـرـدنـ،
المنيرة	پـرـ		درـخـوـاستـ
نظرـ	روشنـ، درـخـشـانـ	عالـمـيـةـ	جهـانـيـ
نفسـهـ	نـگـاهـ كـرـدـ	فـمـ	دهـانـ
	خـودـشـ	لـسانـ	زـيـانـ
		الـلـغـةـ	لغـتـ، زـيـانـ
أبـيـ	پـدرـمـ	مبـيـنـ	واـضـحـ
		مـفـتـاحـ	كـلـيـدـ

● الدرس الحادي عشر

قرارداد	جَعَلَ	نازل کرد	نَزَّلَ
سربازان	جُنُودٌ	دوست می داریم	نَحْبٌ
پروردگارت	رَبِّكَ	ما	نَحْنُ
پرسید	سَأَلَ	رسید	وَصَلَتْ
راه	سَبِيلٍ	افتاد	وَقَعَتْ
دید، مشاهده کرد	شَاهَدَتْ	دعوت می کند، فرا	يَدْعُو
فرياد زد	صَرَخَ	می خواند	
برواز کرد، پرید	طَارَتْ		
دانشآموزان	طَلَابٌ (ج طالب)		
رستگاران	فَائِزُونَ	نيکی کرد	أَحْسَنَتْ
دام	فَخٌ	بهشتیان، اهل	أَصْحَابُ الْجَنَّةِ
قصد کرد، خواست	قَصَدَ	بهشت	
نيش زد	لَسْعَتْ	ماه	أَقْمَارٌ (ج قمر)
وقتی که	لَمَا	مادر	أُمَّهَاتٌ (ج أم)
تفوی پیشگان	الْمُتَقْوَنُونَ	انسان های بافضلیت،	أَهْلُ الْفَضَائِلِ
نيکوکاران	مُحْسِنِينَ	صاحبان فضیلت ها	
چراغ	مَصَابِيعٌ (ج مصباح)	كارهای صالح و	الباقيات الصالحات
احتیاج داریم	نَحْتَاجُ	نيک که ثواب آنها	
اين چنین	هَكَذَا	برای انسان باقی	
کوشش می کند	يَجْتَهِدُ	می ماند	

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ.





سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری آذربایجان
کمیته انتظامی سازمان اسناد و کتابخانه ملی

بنگاه اسناد و کتابخانه ملی آذربایجان
صفحه اینترنتی: www.talif.sch.ir | Email: talif@talif.sch.ir

دانشگاه آذربایجان

